

## سپاسگزاری

در مسیر طولانی فعالیت در تئاتر ماسک با افراد شگفت‌انگیز زیادی همراه بوده‌ام که همگی آنها، در تجربه و فهم شیوه‌های کار با ماسک مرا یاری کرده‌اند، از آن جمله همکارانم آلن رایلی<sup>۱</sup>، سالی کوک<sup>۲</sup>، و پتر والسینگم<sup>۳</sup> در دانشگاه میدلسکس<sup>۴</sup> لندن، جایی که تحت هدایت الهام‌بخش جان رایت<sup>۵</sup>، ماسکها را کشف کردیم. ما با هم شرکت تئاتری ترستل را تشکیل دادیم و کمی بعد جاف چفر<sup>۶</sup> به ما پیوست. هسته مرکزی این تئاتر با نوشتن، تولید و اجرای نمایشها در جاهای مختلف، مطالب زیادی آموخته است. البته این شرکت، بسیار مدیون پنی مایس<sup>۷</sup>، مدیر شرکت است که ما را به چند جای خیلی جذاب فرستاد، او هم مانند ما دیوانه ماسکها بود. این شرکت، همچنین وامدار مارک ویلشر<sup>۸</sup>، صحنه‌پرداز و مدیر تولیدش است.

من مدیون بازیگران زیادی هستم، کسانی که ماههای متمادی در باند گچی غلت می‌خورند؛ بازیگرانی که معیارهای اجرای ماسک را ارتقا دادند: جیمز گریوز، آماندا اوون، نیکی فیرن، سیمون گروور، استیو هارپر، استیو گریهالت، روز پل، ایگیل دولی، سارا مور، جنی هاجینسن، جیسون وب، توماسینا کارلایل، سارا ثوم، جورجینا لمب، پل هانتز ... و از کسانی که نام آنها را نیاورده‌ام، معذرت می‌خواهم.

همچنین با تشکر فراوان از گروههای فنی که در این مسیر هم‌سفرمان بودند. کسانی

- 
1. Alan Riley
  2. Sally Cook
  3. Peter Walsingham
  4. Middlesex University
  5. John Wright
  6. Joff Chafer
  7. Penny Mayes
  8. Mark Wilsher

که با کار صدا و نور نمایشها که به اندازه عناصر دیگر مهم اند، خلاقانه، چیزهایی به تجربه ماسک افزودند.

همچنین مرهون برخی سازندگان الهام بخش ماسک هستم. جدا از گروه اصلی سازندگان ماسک ترستل، از راسل دین<sup>۱</sup>، مایک چیس<sup>۲</sup> و نینین کینیر ویلسون<sup>۳</sup> ممنونم. سفر من زمانی شروع شد که مادرم در سال ۱۹۷۷، مرا به دیدن مووینگ پیکچر مایم شو<sup>۴</sup> برد. من ۱۸ ساله بودم و این اجرا مرا تکان داد. از تویی سجویک<sup>۵</sup>، پل فیلیپیاک<sup>۶</sup> و دیوید گینس<sup>۷</sup> بی نهایت ممنونم. یک نفر هست که هیچ وقت او را ندیدم و زیر دستش تعلیم ندیدم، اما منشأ تمام رویدادهای اواخر دهه هفتاد بود - او ژاک لو کوک<sup>۸</sup> است.

- 
1. Russell Dean
  2. Mike Chase
  3. Ninian Kinnear Wilson
  4. Moving Picture Mime Show
  5. Toby Sedgwick
  6. Paul Filipiak
  7. David Gaines
  8. Jacques Lecoq

## پیشگفتار مترجم

توبی ویلشر یکی از کارگردانهای شناخته‌شده و پیشرو در حوزه تئاتر ماسک است. او در سال ۱۹۸۱ شرکت تئاتری ترستل را پایه‌گذاری کرد و سالها در این تئاتر به عنوان بازیگر، نویسنده، سازنده ماسک، طراح و کارگردان تئاتر ماسک فعالیت کرده است. ویلشر یافته‌های خود را در کتاب راهنمای عملی تئاتر ماسک گرد آورده است. این کتاب، کتابی آموزشی است که در آن نویسنده با طرح مباحث نظری و آمیختن آنها با تمرینهای عملی مفید برای معلمان تئاتر، نمایشنامه‌نویسان، بازیگران و کارگردانها، منبعی الهام‌بخش تدارک می‌بیند و خواننده را با یکی از کارآمدترین، جذاب‌ترین و خلاقانه‌ترین ابزار صحنه یعنی ماسک کامل آشنا می‌سازد. خواننده با مطالعه این کتاب و انجام دادن تمرینهای آن، ضمن فراگیری نحوه کار با ماسک و شناخت زمینه به کارگیری مؤثر آن در صحنه می‌تواند خود را برای اجرای یک تئاتر ماسک آماده کند. امید است ترجمه کتاب حاضر گامی مؤثر در جهت تقویت پژوهشهای جدی با هدف شناخت هنر عمیق و مردمی تئاتر ماسک در ایران باشد و به کشف دنیای ماسک توسط دانشجویان این مرز و بوم بیانجامد.

لازم است قدردان زحمات تمام عزیزانی باشم که در مسیر آماده‌سازی این کتاب مرا یاری دادند و نیز مدیون خوانندگان خواهی بود که لغزشها را گوشزد می‌نمایند. از آقای منصور براهیمی، فروتنانه سپاسگزاری می‌کنم که با بزرگواری و شکیبایی مثال‌زدنی امکان چاپ این کتاب را فراهم کردند و همچنین از خانم پونه عبدالکریم‌زاده نیز برای همدلی و همراهی صبورانه‌اش، بسیار سپاسگزارم. در پایان وظیفه خود می‌دانم از کوشش و دقت کارکنان محترم سازمان سمت تشکر و قدردانی نمایم.

غلامرضا شهبازی

خردادماه ۱۳۹۲

## مقدمه

انگیزه من از نوشتن این کتاب، میل فراوان به راززدایی از ماسک و احیای آن در تئاتر است. بخش اعظم نوشته‌هایی که در دسترس شاگردان و معلمان است، یا لحن دانشگاهی دارند، یا تاریخی یا انسان‌شناختی‌اند و پیدا کردن کتابهای درسی تئاتر محوری که جنبه آموزشی دارند، دشوار است و بنا بر تجربه من، بیش از حد پیچیده‌اند. جالب توجه اینکه ویژگی ماسک کامل، سادگی آن است.

کتابها و مقالات زیادی به نیم‌ماسک<sup>۱</sup> می‌پردازند، چه مجله ماسک گوردون کریگ در اوایل قرن بیستم، چه کشفیات جان رادلین (۱۹۹۴) در مورد کم‌دیا دلارته. ماسک غالباً موضوعی دانشگاهی بوده است و با آنکه نوشته‌های دانشگاهی جالب توجه‌اند، خیلی کم به کار کسی می‌آید که می‌خواهد نمایشی روی صحنه ببرد. این کتاب، شکافها را پر می‌کند و به معلم، بازیگر، نویسنده یا کارگردان نشان می‌دهد که روی صحنه، چگونه به یک ماسک کامل جان ببخشد، چطور اجراگر را برانگیزاند تا شخصیت‌های واقعی خلق کند و مواد اجرایی درجه یکی ابداع کند. همچنین، این کتاب بر آن است آفرینشگران تئاتر را ترغیب کند به ماسک به مثابه بخشی از تجهیزاتشان، یکی از ابزار موجود در جعبه ابزارشان، توجه کنند. ابزاری که در عصر سینما، تلویزیون و رئالیسم روی صحنه، غالباً نادیده گرفته شده است.

پیرامون ماسک، شکلی از زبان پدید آمده است که آن را از کارکرد واقعی‌اش - درگیر کردن و سرگرم‌سازی تماشاگر، از طریق تبدیل آشکار بازیگر به شخصیت - دور کرده و ماسک تئاتر را با ماسک مورد مطالعه انسان‌شناسان خلط کرده است. ماسک‌های انسان‌شناختی موضوع کتابهای فراوانی است، اما این گرده‌مایی‌های پربار به همین بسنده

---

1. half mask

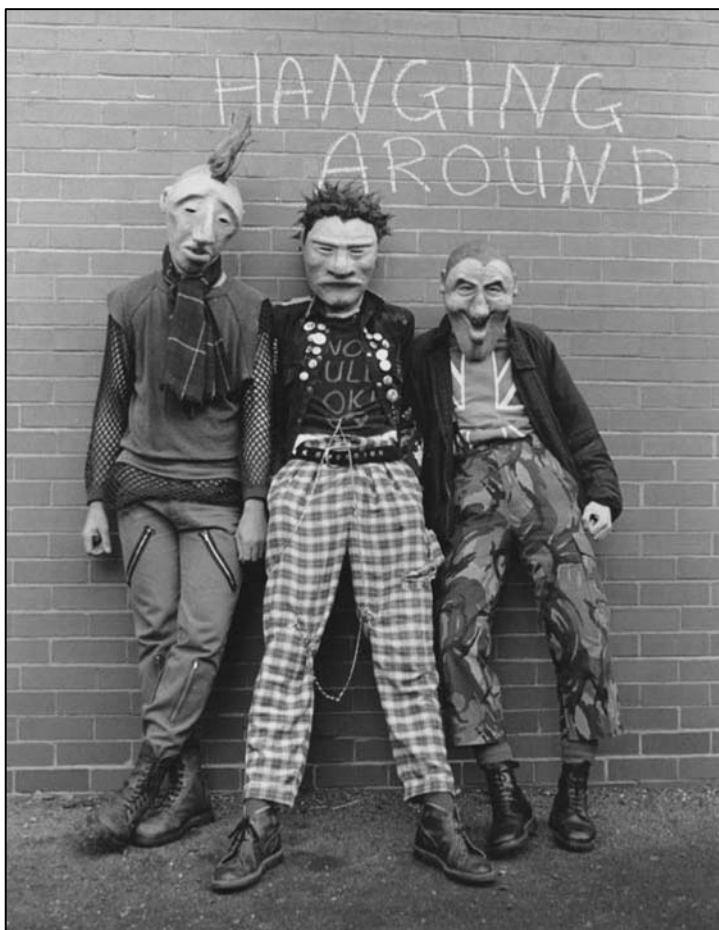
کرده‌اند. این در حالی است که از نظر کاربرد بین این ماسکهای مینوی<sup>۱</sup> و ماسکهایی که روی صحنه می‌بینیم، تفاوتی بنیادین وجود دارد. اما چون تاریخ ماسک، در آغاز با تجربه‌ای مذهبی همراه بوده است، این موضوع موجب بدفهمی افراد شده است. به بیانی ساده، در این کتاب قصدم «برداشتن نقاب از چهره ماسک»<sup>۲</sup> است.

من تا سال ۱۹۷۷ که به دیدن مووینگ پیکچر مایم شو رفتم، درباره ماسکها اطلاعات کمی داشتم. طرح‌واره‌ای<sup>۳</sup> نمایشی به نام «امتحان» را دیدم، قطعه‌ای نمایشی<sup>۴</sup> که درباره سه دانش‌آموز و یک معلم حین امتحان بود. خیلی بامزه و پایانش بسیار تکان‌دهنده بود. اما آنچه در این قطعه نمایشی، بیش از هر چیز مرا مسحور خود کرد، نحوه ارتباط برقرار کردنش با من بود. احساس کردم کاملاً در کنش غرق شده‌ام، اما به نحوی بر رویداد روی صحنه تأثیر می‌گذاشتم. تخیل من، جزء لاینفک این اجرا بود. از آن گذشته، تجربه این قطعه نمایشی برای افراد مختلف متفاوت بود، چون خاطراتشان از امتحان، متفاوت بود. تماشاگران، افراد مختلفی را که شبیه شخصیت‌های نمایش بودند، می‌شناختند. شخصیتها هم صداهاى متفاوتی داشتند، چون ما همه داشتیم با گنجینه لغات خودمان گوش می‌دادیم و حرکات و ژستها<sup>۵</sup> را با صدای خودمان تفسیر می‌کردیم. این تجربه مرا به سوی آموزشی کشاند که به کشف تئاتر ماسک و سپس تأسیس شرکت تئاتری ترستل انجامید. هدفم در هر نمایشی که در طول این ۲۳ سال اجرا کرده‌ام، کشف چیزی نو بوده است: نحوه کار ماسک، زمینه‌ای که می‌توانیم ماسکها را به کار بگیریم و راههایی که از طریق آنها، می‌توانیم جادوی ماسکها را برای تماشاگران بیشتری به ارمغان ببریم.

ماسکها غالباً در خط مقدم تئاتر مردمی بوده‌اند، هنری همگانی که در خودآگاه عمومی فرهنگ، جایگاه خود را داشته است. ماسک خاموش است، اما لال و گنگ نیست. تئاتر ماسک چه در گذشته و چه در زمان حال از نظر احساس، روایت، شوخ‌طبعی، تراژدی، استعاره، سمبولیسم، جدل سیاسی و اجتماعی غنی است. شکی نیست که این گونه

- 
1. sacred masks
  2. unmasking the mask
  3. sketch
  4. observation
  5. gestures

تئاتری، در قرن بیست و یکم، جایگاه خود را دارد و امیدوارم با این کتاب، شرکت کنندگان بیشتری راغب شوند ماسک به چهره بزنند و با تخیل تماشاگران ارتباط برقرار کنند.



تصویر صفر پرسه‌زنی، شرکت تئاتری ترستل